

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۰، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۸

صفحات ۷۴۳ تا ۷۶۱

بررسی تطبیقی سلب تابعیت به عنوان مجازات عاملان ارتکاب

تروریسم در برخی کشورهای اروپایی و حقوق بین الملل

رضا موسی زاده*

دانشیار دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

سپیده دارابی راد

دانش آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان های بین المللی

(Email: darabi.sepideh2@gmail.com)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۴)

چکیده

پس از ظهور داعش و پیوستن برخی از اتباع اروپایی، به ویژه اتباع کشورهای انگلیس و فرانسه و بلژیک-که بیشترین تعداد جنگجویان جهادی اروپایی مختص به این کشورها بود- سه کشور یادشده در جهت گسترش اختیارات سلب تابعیت، به اصلاحاتی در قوانین سلب تابعیت خود اقدام نمودند. لذا این پرسش اساسی مطرح می شود که اقدامات کشورهای انگلستان، فرانسه و بلژیک در خصوص وضع قوانین جدید در مورد سلب تابعیت این افراد تا چه حد از منظر حقوق بین الملل دارای وجاهت قانونی بوده است؟ از این رو، نخست ضمن بررسی مفهوم سلب تابعیت، به زمینه های معمول سلب تابعیت و مقررات بین المللی حاکم بر آن پرداخته، در ادامه حملات تروریستی سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶م در اروپا بررسی می شود و در نهایت اصلاحات قوانین سلب تابعیت در سه کشور انگلیس، فرانسه و بلژیک و وجاهت قانونی این اصلاحات ارزیابی خواهد شد. یافته ها حاکی از آن است که هر سه کشور انگلیس، فرانسه و بلژیک اصلاحاتی را برای گسترش اختیارات سلب تابعیت اعمال نموده اند، اما مطابقت اصلاحات این کشورها با مقررات حقوق بین الملل یکسان نیست. در حالی که دو کشور انگلیس و فرانسه سعی داشته اند که ضمن گسترش اختیارات سلب تابعیت، اصل اجتناب از بی تابعیتی را رعایت کنند، کشور بلژیک در قوانین سلب تابعیت خود هیچ مقررهای برای تضمین جلوگیری از بی تابعیتی در نظر نگرفته است.

واژگان کلیدی

اروپا، بی تابعیتی، تروریسم، حقوق بین الملل، سلب تابعیت.

مقدمه

به موجب ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هرکسی حق تابعیت دارد و احدی را نمی توان خودسرانه از تابعیت خود و یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد» (Universal Declaration of Human Rights, 1948, Art.15). نظام حقوق بین المللی در پی پذیرش حق بر تابعیت به عنوان یک حق بنیادین، سه اصل کلی را در موضوع تابعیت مورد شناسایی و پذیرش قرار داده است: اصل لزوم تابعیت، اصل تابعیت واحد، و اصل تغییرپذیری تابعیت (مقصودی، ۱۳۹۵، ص ۳۶-۳۴). موضوع تابعیت از آنجا که بیانگر تکالیف فرد و نیز حقوق او در جامعه است و از سوی دیگر، تکالیف دولت در برابر فرد تبعه را بیان می کند، از جمله مسائل مهم برای تمامی کشورها به شمار می رود. مفهوم سلب تابعیت دقیقاً نقطه مقابل اعطای تابعیت است و اقدامی است یک سویه از جانب دولت که به قطع رابطه تابعیت بین فرد و دولت می انجامد. حق های بنیادین بشری مقید به تابعیت نیستند، ولی سلب تابعیت به محرومیت از حمایت حقوقی، مشارکت سیاسی، حق دستیابی به مشاغل، حق آموزش و... منجر می شود؛ لذا وجود رابطه تابعیت برای تحقق دیگر حق های بشری لازم است (فضائلی، ۱۳۹۶، ص ۲). اگرچه صلاحیت و اختیارات دولت ها در موضوع تابعیت از طریق تعهدات بین المللی به ویژه تعهدات حقوق بشری محدود شده است، امروزه این موضوع که هر کشوری بر اساس قوانین داخلی خود شرایط کسب و سلب تابعیت خود را تعیین می کند، به یک اصل پذیرفته شده بین المللی تبدیل شده است؛ درعین حال سلب تابعیت را نمی توان به عنوان یک حق بدون خدشه برای دولت ها در نظر گرفت و همواره سلب تابعیت از سوی دولت ها، استثنایی بر اصل لزوم تابعیت است.

از سال ۲۰۱۲ م و با آغاز فعالیت های گروه های شورشی علیه دولت سوریه و نیز پس از آن با آغاز شکل گیری گروه تروریستی داعش، گزارش هایی از عزیمت اتباع اروپایی به سوریه و عراق مطرح شد که این افراد در ابتدا برای همکاری با شورشیان علیه دولت سوریه و پس از آن برای پیوستن به داعش، کشور خود را ترک کردند. اقدامات تروریستی این افراد و موضوع بازگشت این افراد به کشور اصلی خود، مسئله ای اساسی برای کشورهای غربی است؛ چراکه بازگشت این افراطیون به کشور خود را خطری مستقیم برای امنیت ملی ارزیابی می کنند. بنابراین بسیاری از کشورهای غربی به ویژه کشورهای انگلیس، فرانسه، بلژیک و هلند اقدام به وضع قوانین و نیز اصلاح قوانین موجود خود در جهت شکل دهی مجدد به اختیارات سلب شهروندی نموده اند. با در نظر گرفتن اینکه سلب تابعیت نه تنها بر حقوق و آزادی های فردی، بلکه بر تنش های ملی و بین المللی تأثیر می گذارد، لذا باید مطابقت سلب تابعیت با معاهدات بین المللی و حقوق بین الملل بشر به دقت بررسی شود. از این رو در پژوهش حاضر به بررسی تحولات صورت گرفته در خصوص سلب تابعیت در کشورهای انگلیس، فرانسه و بلژیک، و نیز قانونی بودن اقدام آن ها از

منظر اسناد بین‌المللی خواهیم پرداخت. فرضیه این پژوهش مبتنی بر آن است که «اقدامات تروریستی در اروپا و پیوستن اتباع کشورهای مورد مطالعه به گروه تروریستی داعش، منجر به توسعه دامنه اختیارات سلب تابعیت در کشورهای انگلیس، فرانسه و بلژیک شده است و دولت‌های انگلیس و فرانسه با در نظر گرفتن مقررات بین‌المللی به گسترش اختیارات سلب تابعیت اقدام نموده‌اند، اما دولت بلژیک، بدون در نظر گرفتن قاعده ممنوعیت بی‌تابعیتی در حقوق بین‌الملل، اختیارات سلب تابعیت را گسترش داده است».

نگارندگان این پژوهش در نظر دارند به روش توصیفی - تحلیلی موضوع «سلب تابعیت از اتباع محکوم به تروریسم در برخی کشورهای اروپایی و حقوق بین‌الملل» را مورد مطالعه قرار دهند. در همین راستا این تحقیق در چند گفتار تنظیم شده است:

گفتار اول: چیستی مفهوم سلب تابعیت

تابعیت یک امر مطلق و زوال‌ناپذیر نیست و از راه‌های مختلف می‌تواند دستخوش تغییر گردد. یک فرد ممکن است تابعیت خود را به اراده خود از دست دهد و یا اینکه تابعیت وی بدون رضایت او و از سوی دولت گرفته شود، که به طور خلاصه می‌توان به دو دسته ترک ارادی تابعیت و سلب تابعیت بدون رضایت فرد تقسیم نمود (Monlar, 2015, p. 75). سلب تابعیت برخلاف میل و اراده تبعه صورت می‌گیرد و معمولاً حالت مجازات‌گونه دارد و در مقابل تقصیر تبعه نسبت به دولت متبوع صورت می‌گیرد. بعضی از کشورها سلب تابعیت را به‌عنوان مجازات اصلی و یا مجازات تبعی در قوانین خود قرار داده‌اند (مدنی، ۱۳۸۴، ص ۵۴).

از دست دادن تابعیت و سلب تابعیت دو مفهوم کاملاً متمایز هستند. جایی که دولت تحت شرایط خاصی از دست دادن خودکار تابعیت بدون دخالت دولت را در نظر می‌گیرد، از دست دادن تابعیت (Loss of nationality) است و زمانی که تحت شرایط خاص این اختیار به مقامات داده می‌شود که فرد را از تابعیت خود محروم کنند، سلب تابعیت (Deprivation of nationality) است (قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۶). سلب تابعیت عملی است یک‌جانبه از طرف دولت اعطاکننده تابعیت به‌منظور از بین بردن و قطع رابطه تابعیت به دلیل ارتکاب فعل یا ترک فعل تبعه‌ای که قانون‌گذار برای ارتکاب آن فعل یا ترک فعل، چنین مجازاتی را پیش‌بینی نموده است (دماوندی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱).

بیشتر حقوق‌دانان معتقدند سلب تابعیت به‌عنوان مجازات برای اتباعی که تابعیت آن‌ها اکتسابی است، با در نظر گرفتن اصل حاکمیت و اقتدار دولت‌ها و در صورتی که انواع دیگر مجازات نتواند نظر دولت را تأمین کند، قابل توجیه است، همین علت در خصوص اتباعی که تابعیت آنان اصلی است، امری مذموم است (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۹۴).

پیشینه سلب تابعیت مربوط به قرن بیستم است. این نوع مجازات پیش از جنگ جهانی اول بسیار اندک بود، اما پس از جنگ اقدام به سلب تابعیت به صورت پی در پی و به دلایلی چون عدم وفاداری، اقدامات زیان بار نسبت به دولت و منافع آن، همکاری با دشمن و حمایت از اقدامات خرابکارانه انجام گرفت. بیشترین موارد سلب تابعیت در روسیه پس از انقلاب بلشویکی صورت گرفت (کارگران بافقی، ۱۳۸۲، ص ۸۴). پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورهای اروپای شرقی کسانی را که خارج از کشور بودند و مرتکب هرگونه اقدام خلاف منافع ملی شده بودند، از تابعیت محروم کردند (Myres S. Mc Dougal et al., 1974, p. 945).

هیتلر در تعقیب سیاست نژادی خود در سال ۱۹۳۳م، تابعیت شمار زیادی از اتباع یهودی آلمان را که تابعیت اکتسابی داشتند سلب کرد و سپس در سال ۱۹۴۱م همه یهودیان آلمانی را که خارج از کشور بودند سلب تابعیت نمود (Myres S. Mc Dougal et al., 1974, p. 947). اختیار سلب تابعیت به عنوان نوعی مجازات در طول ۵۰ سال اخیر بسیار اندک اعمال شده است و در آغاز قرن بیست و یکم به فراموشی سپرده شده بود؛ باین حال از زمان حمله به برج‌های تجارت جهانی در سپتامبر ۲۰۰۱، به نظر می‌رسد مجازات سلب تابعیت علیه تهدید امنیت ملی دوباره مطرح شده و در دستور کار سیاست‌گذاری ملی کشورهای استرالیا، اتریش، کانادا، فرانسه، هلند، انگلیس و ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است (Mills, 2016, p. 2).

گفتار دوم: زمینه‌های معمول سلب تابعیت

دلایل توجیه‌کننده اختیارات سلب تابعیت متفاوت است. دولت‌های مختلف ممکن است راه‌های متفاوتی را برای توجیه این سیاست برگزینند و به روش‌های متفاوتی قوانین جدید را تصویب کنند. در این قسمت به معمول‌ترین زمینه‌های سلب تابعیت می‌پردازیم.

۱. تهدید علیه امنیت ملی

یک دولت حق دارد کسانی را که مرتکب اعمالی شده‌اند که به شدت امنیت دولت را به خطر انداخته‌اند، مجازات کند، اما نمی‌تواند اتباع دارای تابعیت اصلی و تک تابعیتی خود را با این توجیه که آن‌ها تهدیدی برای امنیت ملی هستند، سلب تابعیت کند (Baubock et al., 2015, p.15-17).

۲. نقض وفاداری

سلب تابعیت ممکن است بر اساس این دیدگاه از سوی دولت‌ها مطرح شود که آن‌ها در تلاش‌اند تا امتیاز تابعیت را محدود به کسانی کنند که به دولت خود وفاداری کامل دارند

(Baubock et al., 2015, p. 24). تغییر وفاداری ممکن است با سوگند وفاداری به یک دولت خارجی یا خدمت داوطلبانه در نیروهای مسلح یا حکومت یک دولت خارجی، ارتکاب جرایمی که در تضاد با منافع حیاتی دولت است، حکم زندان در دوره خاصی پس از کسب تابعیت در آن کشور، و کسب تابعیت از طریق تقلب مصداق یابد (Faculty of Law, 2016, p. 22). از آنجا که موضوع وفاداری موضوعی وسیع است، لذا پارامترهای مختلفی برای اثبات وفاداری و عدم وفاداری وجود دارد:

الف) ارتکاب اعمال ناقض منافع حیاتی دولت. کنوانسیون ۱۹۶۱م کاهش بی‌تابعیتی در ماده ۸(۳) بر آن است که دولت متعاقد در صورتی برای اقدام به سلب تابعیت مجاز است که فرد به شیوه‌ای عمل کند که به صورت جدی مخالف منافع حیاتی دولت باشد (Berry, 2014, p. 358).

ب) خدمات به حکومت خارجی. مفهوم‌سازی زمینه سلب تابعیت در حقوق ملی متفاوت است. برخی دولت‌ها آن را به صورت محدود، برای مثال به‌عنوان ارائه خدمات به دولت دشمن، اعمال می‌کنند. کنوانسیون ۱۹۶۱م اشاره دارد که زمانی که فرد بدون توجه به اعلام ممنوعیت ارائه خدمات به حکومت خارجی، این کار را ادامه دهد، دولت‌ها می‌توانند از وی سلب تابعیت نمایند؛ حتی اگر به بی‌تابعیتی وی منجر شود (Convention on reduction of statelessness, 1961, art 8).

ج) غیبت. بر اساس کنوانسیون ۱۹۶۱م در خصوص تابعیت اکتسابی، اگر افراد با بیش از هفت سال اقامت در خارج از کشور، برای پیگیری به مسئولین دولت خود مراجعه نکنند یا در مورد تابعیت بر اساس خون برای کسانی که خارج از کشور متولد شده‌اند، اگر برای اقامت به کشور خود بازنگشتند و یا به مسئولین دولت خود مبنی بر باقی ماندن بر تابعیت هیچ اطلاعی ندادند، تابعیت آن‌ها می‌تواند سلب شود (Reports of UN Secretary General, 2013, para. 18-19).

۳. خدعه و تقلب در کسب تابعیت

در این مورد سلب تابعیت تنها زمانی می‌تواند توجیه شود که فرد با هدف کسب تابعیت، مرتکب این سوء رفتار شده باشد. تقلب، معمول‌ترین زمینه سلب تابعیت در قانون‌گذاری داخلی دولت‌هاست. قاعده ممنوعیت بی‌تابعیتی که اغلب در خصوص دیگر زمینه‌های سلب تابعیت وجود دارد، در این زمینه وجود ندارد (Baubock, op.cit, p. 20).

۴. جنایات شدید (Serious criminal offence)

نه کنوانسیون اروپایی تابعیت و نه کنوانسیون ۱۹۶۱م، به دولت‌ها اجازه سلب تابعیت یک فرد را در پاسخ به جنایات عادی نداده‌اند، اما ارتکاب جنایات شدید از جمله زمینه‌های سلب تابعیت است. این

زمینه سلب به طور وسیعی به اتباع دارای تابعیت اکتسابی تحمیل می شود و قانون اغلب یک محدوده زمانی پیش از کسب تابعیت را تعیین می کند که پس از آن، اقدام به جنایت نمی تواند به سلب تابعیت منجر شود (Reports of UN Secretary General, 2013, para. 20-21).

۵. سلب تابعیت تبعیض آمیز

در کنار استانداردهای بین المللی، بسیاری از دولت ها سلب تبعیض آمیز در حقوق داخلی را منع کرده اند. با وجود این، موارد سلب تابعیت تبعیض آمیز بدون مبنای قانونی یا در مواردی استثنایی بر اساس قانون، در گذشته به سلب تابعیت در مقیاس وسیعی منجر شده است که از جمله می توان سلب تابعیت فردی و جمعی از سوی آلمان نازی در سال های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰م و نیز برخی اتباع میانمار را مثال زد. کمیته محو تبعیض نژادی سازمان ملل متحد در توصیه عمومی خود در خصوص تبعیض علیه غیر اتباع در اول اکتبر ۲۰۰۴ اظهار داشت: «سلب تابعیت بر مبنای نژاد، رنگ پوست، ریشه قومی و ملی، نقض تعهدات دولت ها برای تضمین برخورداری بدون تبعیض از حق تابعیت است» (A Handbook for Parliamentarians, 2005, p. 38).

گفتار سوم: حقوق بین الملل بشر و موارد خودسرانه سلب تابعیت

در خصوص مفهوم سلب تابعیت خودسرانه باید یادآور شد که کمیته حقوق بشر برای تعریف این مفهوم، در تفسیر عمومی شماره ۲۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اشاره کرد که رجوع به مفهوم خودسرانه بودن در این چارچوب با قصد تأکید بر آن است که مقررات میثاق بر تمام اعمال دولت قابل اعمال است و قوانین داخلی نیز باید متناسب با مقررات و اهداف میثاق بوده، در هر موقعیت، منطقی و قابل قبول باشد (Report of Secretary General, 2009, p. 24). ابتدا باید تأکید کرد که هیچ ممنوعیت مطلق در مورد سلب تابعیت در حقوق بین الملل وجود ندارد و سلب تابعیت (اکتسابی) تحت شرایط خاصی مجاز شده است. بنابراین دولت ها هنوز آزادی معینی در سلب تابعیت دارند، با وجود این اگر سلب تابعیت خودسرانه باشد، این به خودی خود ناقض حقوق بین الملل است (فرخی، ۱۳۹۴، ص ۱۱). ممنوعیت سلب تابعیت در اسناد مختلف بین المللی ذکر شده است، به ویژه ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر که به صراحت بیان می کند که هیچ کسی را نباید به صورت خودسرانه از تابعیت محروم کرد. مجمع عمومی نیز در قطعنامه ۱۵/۱۵۲ بر ماهیت اساسی ممنوعیت سلب تابعیت خودسرانه تأکید می کند (Report of Secretary General, 2009, p. 21). در ادامه با تکیه بر منابع حقوقی بین المللی، موارد خودسرانه سلب تابعیت را شرح می دهیم.

۱. سلب تابعیت بر مبنای تبعیض

سلب تابعیت تبعیض‌آمیز زمانی اتفاق می‌افتد که یک دولت شخصی را بر اساس تمایزی که غیرمنصفانه است از تابعیت محروم کند. برای این مورد سلب تابعیت در زمینه رنگ پوست را می‌توان مثال زد (Van Waas, 2008, p. 95). ممنوعیت تبعیض قومی و نژادی، بخشی از حقوق عرفی است و بخش کاملی از تمام قواعد حقوق بشر ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین یک هنجار اخلاقی است که برابری بین تمام انسان‌ها را نشان می‌دهد. برابر ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تبعیض در زمینه‌های جنسیت، مذهب، نژاد، رنگ پوست، ریشه قومی و ملی و... منع شده است (Faculty of Law, 2016, p. 16-17). معاهدات مختلف حقوق بشر بر جایگاه برابر افراد در مقابل قانون و نیز عدم تبعیض تأکید دارند. ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مبتنی بر آن است که حقوق باید هرگونه تبعیض را منع کرده، برای همه افراد برابری و حمایت مؤثر در برابر تبعیض را فراهم سازد (Hailbronner, 2006, p. 8). کنوانسیون ۱۹۶۱م کاهش بی‌تابعیتی، در ماده ۹ تبعیض در زمینه سلب تابعیت را غیرقانونی اعلام کرده است (Convention on The Reduction of Statelessness, Art. 9). ماده ۵ این کنوانسیون محو اشکال مختلف تبعیض نژادی، تبعیض در خصوص حق بر تابعیت را منع کرده است. در اروپا، کنوانسیون اروپایی تابعیت به‌صراحت در ماده ۵(۲) عدم تبعیض بین اتباع، شامل اتباع دارای تابعیت اصلی و اکتسابی را بیان می‌کند (Report of UN Secretary General On December 2009, Op.cit, Para. 26). به‌علاوه ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر منع تبعیض و نیز رفتار برابر در برخورداری از دیگر حقوق کنوانسیون را تضمین کرده است (Faculty of Law, Op.cit, p. 17-18).

۲. سلب تابعیت برخلاف استانداردهای شکلی

علاوه بر الزام به انطباق با حقوق داخلی، دیگر استانداردهای شکلی نیز هستند که با قوانین حقوق بشر بین‌الملل توسعه یافته‌اند. در کنوانسیون ۱۹۶۱م کاهش بی‌تابعیتی و در سطح منطقه‌ای در کنوانسیون ۱۹۹۷م اروپایی تابعیت آمده است که حداقل استانداردهای شکلی باید رعایت گردد؛ از جمله آنکه سلب تابعیت هدف مشروعی داشته باشد که با حقوق بین‌الملل به‌ویژه با اهداف قواعد حقوق بین‌الملل بشر مطابقت کند و تضمین‌های شکلی اعمال شود؛ به این معنا که هر تصمیم سلب تابعیت باید با دلایل مربوطه منتشر شود و نیز قابل تجدیدنظر قانونی از سوی دادگاه یا یک نهاد مستقل باشد (Monlar, op.cit, p. 78).

۳. سلب تابعیتی که به بی تابعیتی منجر شود

سلب تابعیت در صورتی که فرد مربوطه تابعیت دیگری نداشته باشد و یا بلافاصله تابعیت دیگری کسب نکنند، به بی تابعیتی فرد منجر می‌شود (Report of Secretary General on December 2009, Op.cit, Para. 51).

کنوانسیون ۱۹۳۰م لاهه، کنوانسیون ۱۹۵۴م مربوط به وضعیت افراد بی تابعیت و کنوانسیون ۱۹۶۱م کاهش بی تابعیتی، اسناد بین‌المللی اولیه‌ای هستند که به اصول مربوط به حق تابعیت و مسئله بی تابعیتی پرداخته‌اند (Bachelor, 1994, p. 158). کنوانسیون ۱۹۶۱م مکمل کنوانسیون ۱۹۵۴م است و از طریق راهکارهای مقابله با بی تابعیتی در زمینه‌های مختلف، از سلب تابعیت جلوگیری می‌کند (Manson, 2013, p. 22). بر اساس ماده ۷ کنوانسیون کاهش بی تابعیتی، دولت‌ها تا زمانی که فرد به صورت تضمینی تابعیت دیگری را به دست نیاورده است، نباید اقدام به سلب تابعیت نمایند. به‌طور مشابه، دولت‌ها باید ترک تابعیت را فقط زمانی که فرد مربوطه تابعیت دیگری را کسب کرده است، بپذیرند (Report of secretary general On December 2009, Op.cit, Para.42). با وجود این، ماده ۸(۱) کنوانسیون کاهش بی تابعیتی فهرستی از استثنایها را مطرح می‌کند که بر اساس آن، اگر سلب تابعیت به بی تابعیتی منجر گردد، مجاز تلقی می‌شود (Monlar, op.cit, p. 80). این استثنایها عبارت‌اند از:

الف) اگر این افراد دارای تابعیت اکتسابی بوده و حداقل هفت سال در خارج از کشور باشند و موفق به اعلام قصد خود مبنی بر حفظ تابعیت خود نشوند؛

ب) زمانی که تبعه‌ای خارج از کشور متولد شود و تا یکسال بعد از تولد در دولت متبوع خود اقامت نگزیند و قصد خود را بر این اساس اعلام نکند؛

ج) در صورتی که تابعیت از طریق تقلب به دست آید (Monlar, op.cit, p. 81).

کنوانسیون اروپایی ۱۹۹۷م ممنوعیت سلب تابعیت را از اصول اساسی دانسته و در ماده ۷(۳) سلب تابعیت منجر به بی تابعیتی را تنها و به صورت انحصاری در مورد تقلب (به بیان کنوانسیون، به علت رفتار متقلبان، اطلاعات نادرست یا پنهان کردن هرگونه واقعیت مربوط به متقاضی) را مجاز دانسته است (ظفری، ۱۳۹۶، ص ۹۹).

گفتار چهارم: تروریسم و تغییر قوانین سلب تابعیت در کشورهای اروپایی

اولین گزارش از جنگجویان خارجی که کشور خود را به قصد پیوستن به شورشیان سوریه علیه رژیم بشار اسد ترک کردند، در تابستان سال ۲۰۱۲م اعلام شد. مرکز بین‌المللی مطالعه افراط‌گرایی و خشونت سیاسی تخمین زد که حدود ۲۰ هزار نفر از جنگجویان

خارجی به داعش پیوسته‌اند و ۴ هزار نفر از این افراد اهل اروپای غربی هستند (Jayaraman, 2016, p. 187).

در بلژیک حملات تروریستی زیادی صورت گرفت که با در نظر گرفتن اهمیت و خسارت، مهم‌ترین آن‌ها شامل حمله به موزه یهودیان بروکسل در ۲۴ می ۲۰۱۴ و بمب‌گذاری‌های بروکسل و زوانتم در ۲۲ مارس ۲۰۱۶ است. کشور انگلیس نیز افزایش فعالیت‌های تروریستی را در اوایل سال ۲۰۱۷ م با سه حمله بزرگ در محدوده زمانی چهار ماه، حمله به وست مینستر در ۲۲ مارس ۲۰۱۷، بمب‌گذاری منچستر در ۲۲ می ۲۰۱۷، حمله به برج لندن در ۳ ژوئن ۲۰۱۷ را داشته است (Terror Attacks in Europe: A Timeline, 2017). فرانسه از دسامبر ۲۰۱۴ تا ژوئن ۲۰۱۷ ده بار مورد حمله قرار گرفته است که مهم‌ترین این موارد، حمله به دفتر مجله شارلی ابدو در ۷ ژانویه ۲۰۱۵، حملات پاریس در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ و حمله کامیون به سواحل شهر نیس در ۱۴ جولای ۲۰۱۶ است (France: A Timeline of Terror, 2017).

به موازات پیوستن این جنگجویان به شورشیان سوری و سپس گروه تروریستی داعش، فعالیت‌های تروریستی در اروپا نیز آغاز شد. این امر به امنیتی شدن کشورهای اروپایی، از جمله فرانسه، بلژیک، انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی انجامید (Matthew, 2015). به این ترتیب، بیشتر کشورهای اروپایی، پدیده جنگجویان خارجی را تهدیدی علیه امنیت ملی خود تلقی کرده، در جهت ممانعت از بازگشت این افراد و خطراًفرینی آنان برای امنیت ملی، اقدام به تغییر قوانین تابعیت و گسترش اختیارات سلب تابعیت از تروریست‌ها نمودند. در اینجا قوانین سلب تابعیت در کشورهای انگلیس، فرانسه و بلژیک و اصلاحاتی که پس از بروز اقدامات تروریستی اعمال کردند و نیز مطابقت قوانین جدید با مقررات حقوق بشر را بررسی خواهیم کرد.

۱. تروریسم و تغییر قوانین حاکم بر سلب تابعیت در انگلستان

مقررات تابعیت انگلیس مبتنی بر قانون تابعیت ۱۹۸۱ م است که در اول ژانویه ۱۹۸۳ لازم‌الاجرا شد. این قانون مبانی قانونی کسب تابعیت و ازدست دادن تابعیت انگلیس را مشخص کرده است. بخش ۴۰ قانون ۱۹۸۱ م مربوط به سلب تابعیت است که تحت شرایطی سلب تابعیت را مجاز می‌داند:

- الف) کسب تابعیت از طریق تقلب، یا پنهان کردن حقایق اساسی باشد.
- ب) فردی که عدم وفاداری و عدم تمایل خود به پادشاهی را با حرف و عمل نشان دهد.
- ج) شخصی که به صورت غیرقانونی در طول جنگ با دشمن تجارت یا همکاری می‌کند.
- د) فرد در طول ۵ سال از تاریخ کسب تابعیت به ۱۲ ماه حبس یا بیشتر محکوم شود (در این مورد سلب تابعیت نباید منجر به بی‌تابعیتی فرد شود) (Anderson, 2016, p. 6).

در سال‌های اخیر در انگلستان از سلب تابعیت استفاده گسترده‌ای شده است. تغییرات در قوانین، دامنه سلب تابعیت را به‌ویژه برای کسانی که در مبارزه یا آموزش تروریستی در خارج از کشور مشارکت داشتند افزایش داده است (Kemp & Corrigan, 2015, p. 2). بر اساس گفته اداره امنیت و مبارزه با تروریسم انگلستان، در نوامبر ۲۰۱۵ تعداد رسمی جنگجویان خارجی ۷۶۰ بوده است و سطح تهدید تروریسم بین‌الملل - از جانب تروریست‌های اسلام‌گرا - برای کشور انگلستان بالا بوده است (ICCT, 2016, p. 40).

با مشاهده افزایش تعداد شهروندان بریتانیایی که به سوریه و عراق سفر می‌کردند، بسیاری از سران کشورهای اروپایی درباره خطر رادیکال شدن «جنگجویان خارجی» در بازگشت به کشورهایشان هشدار می‌دادند. در پارلمان و رسانه‌های بریتانیا این درخواست مطرح بود که در وهله اول باید از سفر شهروندان به عراق و سوریه جلوگیری کرد و در وهله دوم از بازگشت کسانی که به این کشورها سفر کرده بودند به بریتانیا ممانعت شود. در این بحث‌ها پرسش‌هایی درباره «جنگجویانی» مطرح گردید که تنها دارای تابعیت بریتانیا بودند و در نتیجه سلب تابعیت به بی‌تابیتی آن‌ها منجر می‌شد. واکنش دولت به این وضعیت، تلفیق «دستورات محرومیت موقت» در قانون مقابله با تروریسم و امنیت مصوب سال ۲۰۱۵ بود (Mills, Op.cit, p. 12). این دستورات فرد موردنظر را از بازگشت به بریتانیا بدون مجوز وزیر منع می‌کرد (Karatani, 2003, p. 1).

انگلستان سلب تابعیت منجر به بی‌تابیتی را در ژانویه ۲۰۱۴ با اصلاح بخش ۴۰ سلب تابعیت در قانون تابعیت انگلیسی ۱۹۸۱م دوباره مطرح کرد. انجام این کار با شرایط اعلامیه مربوط به تصویب کنوانسیون ۱۹۶۱م محدود شده بود. اعلامیه تنها سلب تابعیت از اتباع دارای تابعیت اکتسابی را اجازه داده و در خصوص اتباع دارای تابعیت اصلی، تنها زمانی امکان پذیر است که آن‌ها اقدامی را که به صورت جدی خلاف منافع حیاتی دولت است مرتکب شده باشند. ضمن آنکه سلب تابعیت منجر به بی‌تابیتی زمانی امکان دارد که شخص بتواند تابعیت دیگری کسب نماید (Harvey, Op.cit, p. 34)؛ چنان‌که این مورد در خصوص صدور رأی در پرونده هلال عبدالرزاق علی الجدا نیز مطرح و اعمال شد.

بخش ۶۶(۱) قانون ۲۰۱۴م، بند جدیدی (A4) را به اصلاحیه بخش ۴۰ قانون ۱۹۸۱م اضافه کرده که طبق آن مواردی که سلب تابعیت منجر به بی‌تابیتی مجاز است، این‌چنین برشمرده شده است: الف) تابعیت فرد اکتسابی باشد. ب) رفتار فرد به صورت جدی در تضاد با منافع حیاتی باشد. ج) صدور دستور در این مورد مستلزم آن است که وزارت کشور دلیل منطقی داشته باشد مبنی بر آنکه فرد قادر است تابعیت کشور دیگری را به‌دست آورد (Asad, Ali Khan, 2015, p. 36).

۲. تروریسم و تغییر قوانین حاکم بر سلب تابعیت در فرانسه

ماده ۲۳ قانون مدنی ۱۹۹۸م فرانسه، ازدست دادن ارادی و غیرارادی تابعیت را پوشش می‌دهد. از سال ۱۹۹۸م یک فرد تنها زمانی سلب تابعیت می‌شود که در نتیجه آن بی‌تابعیت نشود و این به آن معناست که فرد تک تابعیتی نباشد. اتباع دارای تابعیت اکتسابی ممکن است تابعیت خود را در موارد تقلب در کسب تابعیت، بنابر ماده ۲-۲۷ قانون مدنی ازدست بدهد. تقلب معمول‌ترین زمینه برای ازدست دادن تابعیت است (Mantu, 2016, p. 2). سلب تابعیت بر مبنای ماده ۲۵ قانون مدنی، عدم وفاداری در شرایط زیر را تأیید می‌کند:

(الف) ارتکاب به اعمالی علیه منافع حیاتی ملت یا ارتکاب اعمال مرتبط با تروریسم.

(ب) ارتکاب به جنایت علیه امنیت کشور.

(ج) ارتکاب به اعمال نافرمانی در خصوص اجرای خدمت ملی.

(د) کسانی که به نفع یک دولت خارجی، اعمالی معارض با تابعیت فرانسوی انجام دهند و به منافع فرانسه لطمه وارد آورند (French Civil Code, art.25).

سلب تابعیت در اذهان عمومی فرانسویان به دولت ویشی که در سال ۱۹۴۰م (در دوران اشغال فرانسه از سوی آلمان) تشکیل شد، پیوند خورده است. به موجب قوانین سلب تابعیت، تحت حاکمیت دولت ویشی ۱۱۰ هزار یهودی الجزایری و ۱۵۱۵۲ شهروند فرانسوی که از سال ۱۹۲۷م تابعیت فرانسه را به‌دست آورده بودند، سلب تابعیت شدند (Weil, 2008, p. 88 & 128). در قانون ۱۹۴۵م تابعیت فرانسه افراد تحت این شرایط سلب تابعیت می‌شوند: کسب تابعیت دیگر، خدمت در ارتش خارجی یا ارائه خدمات عمومی، ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، ارتکاب جرایم خاص، عدم رعایت قانون ارتش، اقدام علیه فرانسه و به نفع یک دولت خارجی، و ارتکاب جرایمی که محکوم به ۴ سال زندان شود (Kerno, 1953, p. 11).

بحث‌های عمومی درباره سلب تابعیت که نگرانی‌های مطرح شده در بریتانیا و دیگر کشورهای اروپایی درباره بازگشت جنگجویان خارجی از سوریه را مطرح می‌کند، از ماه ژوئن ۲۰۱۴ آغاز شد. تخمین زده شد که تعداد ۹۰۰ نفر تا اکتبر ۲۰۱۵ فرانسه را به مقصد سوریه و عراق ترک کرده‌اند. ضمن اینکه تعداد اتباع افراطی فرانسه و یا افراد متهم به فعالیت در شبکه‌های جهانی که لزوماً به سوریه و عراق نرفته‌اند، ۲۰۰۰ نفر است. از نوامبر ۲۰۱۴ قانون فرانسه امکان ابطال یا مصادره گذرنامه‌های جنگجویان خارجی و همچنین ممنوعیت ورود خارجی‌هایی را که مرتبط با فعالیت‌های تروریستی هستند فراهم کرد و در نوامبر ۲۰۱۵ پس از حملات تروریستی در پاریس، وضعیت اضطراری اعلام شد. با اینکه جرایم تروریستی در قانون مدنی آورده شده است، قانون ۲۰۱۴م دیگر جرایم منتسب به تروریسم را نیز معرفی کرد؛ از جمله آموزش استفاده از سلاح و انفجار، تبلیغات برای تروریسم و رفتن به خارج از

فرانسه به قصد مشارکت در عملیات‌های تروریستی و ... (Berenice Boutin and Others, 2016, p. 31-32).

شورای دولتی در نظر خود در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۵ که مورد موافقت حکومت قرار گرفت، اعلام داشت که تابعیت اصلی فرانسه حق اولیة هر فرد است و زمینه را فراهم می‌کند که افراد از حقوق اساسی بهره‌مند شود و سلب کردن آن تخلفی افراطی است و در نتیجه مغایر قانون اساسی شمرده می‌شود. به عبارت دیگر، گسترش اختیارات سلب تابعیت از مجرم تروریستی هر چند که محدود به موارد معدودی در فاصله زمانی بیش از ۱۵ سال باشد، مستلزم تجدید نظر در قانون اساسی است (Guest editorial, 2016, p. 4). دادگاه قانون اساسی فرانسه در ژانویه ۲۰۱۵ سلب تابعیت فرانسوی - مراکشی احمد سهنونی الیعقوبی به علت ارتکاب به اعمال تروریستی را اعلام کرد. سهنونی که در کازابلانکای مراکش متولد شده بود، ۴۵ سال داشت و در سال ۲۰۰۳ تابعیت فرانسه را کسب کرد. وی در سال ۲۰۱۳ م به علت محکومیت به همکاری با تشکیلات تروریستی برای استخدام جهادگران به هفت سال زندان محکوم شد (Mickolus, 2016, p. 325). وی متهم به ایجاد شبکه‌ای برای فرستادن جهادگران به عراق، افغانستان، سومالی، تأمین مالی و سرپرستی کردن هماهنگی در این زمینه بود (Samson, 2015). این تصمیم در پی حمله تروریستی شارلی ابدو که ۱۷ کشته داد، اتخاذ شد. سهنونی به شورای قانون اساسی دادخواست داد که گرچه قانون مدنی فرانسه سلب تابعیت را اجازه می‌دهد، اما سلب تابعیت از افراد دارای تابعیت اکتسابی، مخالف اصل «برابری» یادشده در اعلامیة حقوق بشر و شهروندی فرانسه است (Wildberger, 2015).

دادگاه در بیانیه‌ای نوشت، افرادی که تابعیت اکتسابی دارند و کسانی که تابعیت اصلی فرانسه را دارا هستند، در موقعیت یکسانی قرار دارند، اما این تفاوت رفتار در جهت مبارزه با تروریسم است و ناقض اصل برابری نیست (Vinocur, 2015). از آنجا که الیعقوبی دو تابعیتی و متهم به جرایم تروریستی است، می‌توان نسبت به افرادی که محکوم به جرایم تروریستی هستند و تنها یک تابعیت دارند، رفتاری متفاوت با وی داشت (Klepach, 2017, p. 530).

نوشتار جدید ماده ۳۴ مبنی بر آن است که یک شخص ممکن است از تابعیت یا حقوق مربوط به تابعیت محروم گردد. ازدست دادن حقوق مدنی جایگزینی برای ازدست دادن حقوق تابعیت است (Council de l'Europe, 2016, para. 88-89). از اشخاصی که فقط تابعیت فرانسوی دارند نمی‌توان سلب تابعیت کرد، زیرا بی‌تابعیت می‌شوند؛ بنابراین تا زمانی که سلب تابعیت قابل اعمال نیست، محروم شدن از حقوق مرتبط با تابعیت را می‌توان جایگزین برای سلب تابعیت دانست. این مورد در عمل منجر به آن می‌شود که فرد آن حقوقی را که فقط اتباع فرانسه می‌توانند داشته باشند ازدست بدهد؛ از جمله حقوق سیاسی و حق رأی، و حق داشتن

موقعیت‌های رسمی خاص. این محرومیت فقط برای آینده و نسبت به فرد اعمال می‌شود و همسر و فرزند شامل آن نمی‌شوند.

۳. تروریسم و تغییر قوانین حاکم بر سلب تابعیت در بلژیک

کسب، تخصیص، ترک تابعیت، ازدست دادن تابعیت و سلب تابعیت بلژیک در مواد ۸ و ۹ قانون اساسی و قانون تابعیت بلژیک ۱۹۸۴م تدوین شده است (Rustom & Schoonvaere, 2012). سلب تابعیت ویژگی استاندارد تابعیت بلژیک از قرن بیستم است. از ابتدای ۱۹۱۹م قانون بلژیک امکان سلب تابعیت از کسانی را که در طول جنگ جهانی اول تبعه بلژیک شده بودند، فراهم کرد. مکانیسم تابعیت پس از آن گسترش یافت تا آنکه قانون تابعیت بلژیک در ۱۹۸۴م گنجانده شد. ماده ۲۳ قانون این امکان را فراهم می‌سازد تا کسانی را که به صورت جدی وظایف تابعیت خود را نقض می‌کنند، سلب تابعیت کند (Wautelet, 2016, p. 1-2).

هم از منابع رسمی و هم منابع غیررسمی اعلام شده است که ۴۷۰ نفر از اتباع بلژیک به سوریه و عراق رفته‌اند که این امر بلژیک را دارای بالاترین تعداد جنگجویان خارجی در میان کشورهای اروپایی نشان می‌دهد (Rik Coolsaet, 2016, p. 9; The Sofan Group, 2015, p. 12). به این ترتیب، بلژیک نیز از جمله کشورهایی است که قوانین خود را برای امکان سلب تابعیت تروریست‌ها تغییر داد. در این کشور از سال ۲۰۱۲م در یک سری از تغییرات سریع چارچوب قانونی برای سلب تابعیت به صورتی قابل ملاحظه تغییر یافت. اولین اصلاحیه با قانون ۴ دسامبر ۲۰۱۲ ایجاد شد. هدف اصلی این قانون آن بود که کسب تابعیت بلژیک را دشوار سازد، اما این قانون مقررات سلب تابعیت را گسترش داد؛ چنان‌که ماده جدید ۲۳ معرفی شد که امکان سلب تابعیت از کسانی را که مرتکب جنایات تروریستی شده و به حداقل ۵ سال زندان محکوم شده‌اند، فراهم کرد. سلب تابعیت با جرایم تروریستی خاصی مرتبط بود که در قانون کیفری لیست شده‌اند (Wautelet, op.cit, p. 3).

پس از حمله به شارلی ابدو در پاریس، دولت قصد خود مبنی بر تشدید امکان سلب تابعیت را اعلام کرد و لایحه آن در ژوئن ۲۰۱۵ معرفی و پذیرفته شد و نیز حوزه مکانیسم سلب تابعیت به جنایت‌های تروریستی جدید گسترش یافت. تغییر دیگر مربوط به حوزه زمانی است که برخلاف رژیم گذشته مکانیسم جدید سلب تابعیت صرف نظر از آنکه چه مدت از کسب تابعیت فرد می‌گذرد، اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، هیچ محدودیت زمانی وجود ندارد. ضمن آنکه با رژیم معرفی شده در ۲۰۱۲م، سلب تابعیت از سوی هر دادگاهی قابل اعمال بود، نه فقط دادگاه تجدیدنظر.

قبل از سال ۲۰۱۵م در بلژیک سلب تابعیت در خصوص ارتکاب جرایم تروریستی

امکان پذیر بود، اما محدود به جرایم تروریستی بسیار جدی بود و اگر فرد ده سال در کشور بلژیک اقامت داشت سلب تابعیت نمی‌شد. پس از سال ۲۰۱۵م در کشور یادشده سلب تابعیت در ارتکاب به جرایم تروریستی محدوده زمانی ندارد. یک مقررۀ به‌ظاهر مشکل‌ساز بین تابعیت بلژیک و قانون تابعیت اروپایی وجود دارد. مادۀ ۲۳ قانون تابعیت بلژیک که امکان سلب تابعیت را در صورت نقض جدی وظایف تابعیت بلژیک فراهم می‌کند، مقررات برای جلوگیری از بی‌تابعیت شدن فرد را در نظر نگرفته است که این امر ناقض مادۀ ۷(۳) کنوانسیون اروپایی تابعیت است که سلب تابعیت منجر به بی‌تابعیتی را تنها در صورتی اجازه می‌دهد که تابعیت با استفاده از تقلب کسب شده باشد (Groot & Wautelet, 2014, p. 34).

نتیجه

مادۀ ۸ کنوانسیون کاهش بی‌تابعیتی موارد قهری سلب تابعیت را بیان داشته و آنچه در ذیل مادۀ ۸ به‌عنوان استثنا بر این ماده آمده، به این دلیل است که برای دولت‌ها این حق وجود دارد که بر طبق قوانین ملی، طبق شرایطی از اتباع خود سلب تابعیت نمایند، ولی این حق برای دولت‌ها بدون خدشه نیست و سلب تابعیت از سوی دولت‌ها استثنایی است بر اصل عدم سلب تابعیت. باین حال نمی‌توان گفت که همه گونه‌های سلب تابعیت خودسرانه و نامشروع است. سلب تابعیت باید در خدمت یک هدف مشروع و منطبق با قواعد حقوق بشر بین‌الملل صورت گیرد. در واقع، سلب تابعیت خودسرانه زمانی است که هیچ گونه انطباقی با قوانین داخلی که خود آن قوانین نیز منطبق با قواعد حقوق بشر بین‌المللی است، نداشته باشد. نتیجه آنکه در زمینه سلب تابعیت قواعدی بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته که محدودکننده اختیار و صلاحیت دولت‌ها است و در صورت عدم رعایت این قواعد، عمل سلب تابعیت خودسرانه و غیرقانونی تلقی می‌شود که عبارت‌اند از: سلب تابعیت برخلاف قانون و استانداردهای شکلی، سلب تابعیت تبعیض‌آمیز و اجتناب از بی‌تابعیتی. به این ترتیب، سلب تابعیت در صورت مغایرت با این اصول، ناقض حقوق بین‌الملل و در نتیجه نامشروع خواهد بود.

در سال‌های اخیر در انگلستان در خصوص کسانی که در مبارزه، فعالیت افراطی یا آموزش تروریستی خارج از کشور، از جمله در سوریه مشارکت دارند، شاهد افزایش چشمگیر صدور دستور سلب تابعیت هستیم. ضمن آنکه درباره «جنگجویان جهادی» که تنها دارای تابعیت بریتانیا بوده‌اند، برای جلوگیری از بروز بی‌تابعیتی، واکنش دولت به این وضعیت، تلفیق «دستورات محرومیت موقت» در قانون مقابله با تروریسم و امنیت مصوب سال ۲۰۱۵م بود.

در کشور فرانسه، بر اساس مادۀ ۲۳ قانون مدنی ۱۹۹۸م، سلب تابعیت در صورت ارتکاب به اعمالی علیه منافع حیاتی ملت یا اعمال مرتبط با تروریسم، تنها قابل اعمال به افرادی است که

تابعیت اکتسابی داشته، تک تابعیتی نباشند. ضمن آنکه در خصوص افراد تک تابعیتی که امکان سلب تابعیت از آنها وجود ندارد، اعلام شد که از حقوق مربوط به تابعیت محروم خواهند شد. در کشور بلژیک، ماده ۲۳ قانون تابعیت ۱۹۸۴م این امکان را فراهم می‌سازد تا کسانی را که به صورت جدی وظایف تابعیت خود را نقض می‌کنند، سلب تابعیت کند. از جولای ۲۰۱۵ لایحه جدیدی پذیرفته شد که در نتیجه آن حوزه مکانیسم سلب تابعیت به جنایت‌های تروریستی جدید نیز گسترش یافت. در مکانیسم جدید سلب تابعیت هیچ محدودیت زمانی ندارد و از سوی هر دادگاهی قابل اعمال است. با این حال، ماده ۲۳ قانون تابعیت بلژیک که امکان سلب تابعیت را در صورت نقض جدی وظایف تابعیت بلژیک فراهم می‌کند، مقررات جلوگیری از بی‌تابعیت شدن فرد را در نظر نگرفته که این امر ناقض ماده ۷(۳) کنوانسیون اروپایی تابعیت است که سلب تابعیت منجر به بی‌تابعیتی را تنها در صورتی اجازه می‌دهد که تابعیت با استفاده از تقلب کسب شده باشد.

چنانچه ملاحظه شد، در نتیجه وقایع تروریستی در هرکدام از کشورهای انگلستان، فرانسه و بلژیک، تلاش‌هایی برای گسترش اختیارات سلب تابعیت از افراد محکوم به اعمال تروریستی صورت گرفت که این تلاش‌ها در این کشورها نتیجه مشابهی نداشته است. در حالی که در کشورهای انگلستان و فرانسه، گسترش اختیارات سلب تابعیت با توجه به مقررات بین‌المللی صورت گرفته و تمهیدات لازم برای جلوگیری از بی‌تابعیتی در نظر گرفته شده است، در بلژیک شاهد گسترش مجازات سلب تابعیت، بدون رعایت قاعده ممنوعیت بی‌تابعیتی هستیم که این امر ناقض کنوانسیون اروپایی تابعیت و همچنین ناقض ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون کاهش موارد بی‌تابعیتی است.

منابع و مأخذ

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. آل کجاف، حسین (۱۳۸۹)، **تابعیت در ایران و سایر کشورها**، تهران: انتشارات جنگل.
۲. ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۸۳)، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، تهران: انتشارات سمت.
۳. مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۴)، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، تهران: انتشارات جنگل.

ب) مقاله‌ها

۴. فرخی، رحمت‌اله (۱۳۹۴)، «حق بر تابعیت در پرتو ماهیت حقوق بشر و اسناد بین‌المللی»، تهران: ناشر تخصصی مقالات کنفرانس‌ها و ژورنال‌ها-سیویلیکا، قابل دسترسی در: https://www.civilica.com/PdfExport-LAWI01_522
۵. فضائی، مصطفی (۱۳۹۶)، «سلب تابعیت از منظر حقوق اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر» تهران: مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، ش ۱.
۶. قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۷)، «بررسی سلب تابعیت اتباع بحرین در پرتو حقوق بین‌الملل بشر» تهران: فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، ش ۳.

ج) پایان‌نامه‌ها

۷. دماوندی، فاطمه (۱۳۹۰)، سلب تابعیت در ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی.
۸. ظفری، علی (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی سلب تابعیت در حقوق ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود.
۹. کارگران بافقی، مجید (۱۳۸۳-۱۳۸۲)، نقد قانون تابعیت ایران با نگاهی به قانون کشورهای آمریکا و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
۱۰. مقصودی، منصور (۱۳۹۵)، بررسی جایگاه حق تابعیت در نظام حقوقی ایران و تطبیق آن با اسناد بین‌المللی حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی.

۲. خارجی**A) Books**

11. Bachelor, Carole A (1998), statelessness and the problem of resolving nationality status, International Journal of refugee law, Vol.10, No.1/2, p.156-183, Available at: <http://www.mcrg.ac.in/AddReading/2012/carol.pdf>
12. Baubock, Rainer et al (2015), Citizenship deprivation: A normative analysis, CEPS Paper in Library and security in Europe, No.82. p.1-38.
13. Van Waas, Laura (2008), Nationality matters: statelessness under international law, School of human rights research series, Volume 29, Available at: www.institutdesi.org/Nationality_Matters.pdf

B) Articles

14. Anderson, David (2016), "Citizenship removal resulting in statelessness", p. 1-17, Available at: www.gov./government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/518390/David_Anderson_QC_CITIZENSHIP_REMOVAL
15. Boutin, Berenice and others (2016) "The Foreign Fighter's Phenomenon in the European Union", International Center for Terrorism- The Hague, p. 1-149.
16. "Citizenship revocation in response to the foreign fighter threat", UIO: Faculty of Law University of Oslo, 2016, p.1-57, Available at: <https://www.duo.uio.no>
17. Coolsaet, Rik (2016), "Facing the Forth Foreign Fighters Wave: What Drives Europeans to Syria and to Islamic State? Insights from The Belgian Case", Egmont Papers 81: The Royal institute for international relations, pp 1-52, Available at: <http://www.egmontinstitute.be>
18. Hailbronner, Kay (2017) "Nationality in public international law and European law", Available at: <http://www.academia.edu>
19. Harvey, Alison (2016) "Deprivation of Nationality: Implications for the Fight Against Statelessness", QIL, Zoom-in 31, p.21-38 ,Available at: <http://www.qil-qdi.org>
20. Jayaraman, Shiva (2016), "International Terrorism and Statelessness: Revoking the Citizenship of ISIL Foreign Fighters", Chicago Journal of International Law, Volume 17, No.1, and pp: 177-216 .
21. Kemp, Patty and Corrigan, Edward C. (2015), "Deprivation of citizenship: A Canada/ United Kingdom comparison", p. 1-5, Available at: www.edcorrigan.ca
22. Khan, Asad Ali (2016) "The Limits of European Union Law: Terrorism, Statelessness and Deprivation of Nationality", p. 1-50, Available at: <https://papers.ssrn.com>
23. Klepach, Arielle (2017) "What OLC Missed: Answer Al-Aulaqi and the Case for Citizenship Forfeiture", Columbia Journal of Transnational Law, 530, Available at: <http://jtl.columbia.edu>
24. Manson, Matilda (2013) "reduction of statelessness and access to nationality-the need for EU regulation-The showcase of stateless Roma in Slovenia", Graduate thesis, Faculty of Law Lund University, Available at: <http://lup.lub.lu.se>
25. Mantu, Sandra (2016), "Citizenship Deprivation in France: Between Nation and the Republic" ,available at: <http://www.jurist.org>
26. Matthew, Dalton and others(2015) "Seven militant's lead deadly Paris attacks", The Wall Street Journal, Available at: <https://www.wsj.com>
27. Mickolus, Edward (2016), "Terrorism, 2013-2015: A Worldwide Chronology, McFarland", Available at: <https://books.google.com/books?isbn=1476664374>
28. Mills, Bobbie (2016) "A Privilege Not a Right: Contemporary Debates on Citizenship Deprivation in Britain and France", Centre on Migration, Policy and Society, University of Oxford, p. 1-30, Available at:

- <https://www.compas.ox.ac.uk>
29. Monlar , Tamas (2015), "the prohibition of arbitrary deprivation of nationality under international law and EU law: new perspectives", p. 67-92, Available at: <http://real.mtak.hu/29148/>
30. Myres S.Mc Dougal et al., "Nationality and human rights: the protection of individuals and external arenas", Faculty Scholarship Series, paper 2654(1974), p. 900-998, Available at: http://digitalcommons.law.yale.edu/fss_papers/2654
31. Rene de Groot and Wautelet, Patrick (2014), "Trends on nationality law in Europe", Available at: www.anusca.it
32. Rogers Brubaker, William (1990) "Citizenship and nationhood in France and Germany", submitted in partial fulfillment of the requirement for the degree of Doctor of Philosophy in the Graduate School of Arts and Sciences, Columbia University, p. 134-168.
33. Rustom, Carine and Schoonvaere, Quentin (2012), "Mapping statelessness in Belgium", UNHCR , Available at: <http://www.unhcr.org>
34. Samson, Thomas (2015) "Top French court backs stripping jihadist of nationality", available at: <http://en.rfi.fr/africa/20150123>
35. Sparrow, A. (2014) "Islamic State: Call to revoke citizenship of British-born jihadists: Leading MP Wants fighters to be rendered stateless: Carey joins demands to beef up government action" The Guardian, available at: <https://www.theguardian.com>
36. " Terror Attacks in Europe: A Timeline", Available at: <http://www.thehindu.com>
37. The Sofan Group (2015) "Foreign Fighters: An Updated Assessment of The Flow of Foreign Fighters into Syria and Iraq", December 2015. Available at: <http://soufangroup.com>
38. Vinocur, Nicholas(2015) "French court approves stripping nationality of Franco-Moroccan jihadist", January 23, 2015, available at: <https://www.reuters.com>
39. Wautelet, Patrick (2016), " the law of nationality: comparative and international perspective", University de Liege, Available at: <http://orbi.ulg.ac.be/handle/2268/195773>
40. Weil, Patrick (2008) "How to be French: Nationality in the Making since 1789 Durham and London", Duke University Press.
41. Wildberger, Steven(2015) "France top court approves stripping nationality of convicted Franco-Moroccan terrorist", available at: <http://www.jurist.org>

C) Documents

42. European convention on nationality, November 1997. Access date:14/6/2017, Available at: www.refworld.org/pdfid/3ae6b36618.pdf
43. Extracts from the French civil code, Art.25. Access date: 2/4/2017 Available at:

- http://www.legifrance.gouv.fr/content/download/1950/13681/version/3/file/Code_22.pdf
44. France: A Timeline of Terror, Available at: <https://news.sky.com>
 45. Guest editorial (2016) Terrorism and constitutional amendment in France, European constitutional law review, 12, Available at: <https://doi.org/10.1017/S1574019616000067> <6/10/2017>
 46. Human rights and arbitrary deprivation of nationality, Human rights Council, Resolution 7/10, 2009.
 47. Human rights and arbitrary deprivation of nationality: report of secretary general, A/HRC/25/28, 19 December 2013, Available at: www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/.../A-HRC-25-28_en.doc <14/6/2017>
 48. In the court of appeal (civil division) on appeal from the special immigration appeals commission, Royal courts of Justice, Case no: T2/2011/1371, London, 2012, paragraph 1. Available at: <https://www.judiciary.gov.uk/wp-content/uploads/.../al-jedda-judgment>
 49. Kerno, Ivan S (1953) Nationality including statelessness, International Law Commission, memorandum prepared, Document:-A/CN.4/66 Available at: http://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_67.pdf
 50. Report of International Law Commission, sixty-sixth session(5 May- 6 June and 7 July- 8 August 2014), General Assembly Official Records, Sixty-ninth session, Supplement No. 10, Chapter IV, p. 33.
 51. The 1954 Convention relating to the status of stateless persons: implementation within the European Union member states and recommendation for Harmonization, UNHCR, VOLUME 22:2, 2004.
 52. UNHCR, Nationality and statelessness: a handbook for parliamentarians, Presses Centrales de Lausanne, Switzerland, no.11, 2005, Available at: <https://www.un.org/ruleoflaw/files/Nationality%20and%20Statelessness.pdf> <13/9/2017>
 53. Universal declaration of human rights, adopted by General Assembly Resolution 217 a (III) of 10 December 1948.
 54. UNHCR, Convention on The Reduction of Statelessness(1961), Available at: http://www.unhcr.org/ibelong/wp-content/uploads/1961-Convention-on-the-reduction-of-Statelessness_ENG.pdf
 55. Venice Commission opinion on the draft constitutional law on “protection of the nation”, Council de l’Europe: CDI-AD (2016), para 36-37, Available at: www.venice.coe.int<17/7/2017